



رئیس جمهور در پاسخ به تماس تلفنی اردوغان تأکید کرد

ایران به رابطه با ترکیه نگاه بلندمدت و همه جانبه دارد

در صفحه سیاسی بخوانید

سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۸۳۱ ■ یکشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ ■ ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۳

قاچاق بیش از ۳۳ هزار میلیارد تومانی شرکت قطعه سازی کروز طی سال های ۹۲ تا ۹۹

باز پای فریدون در میان است

۲

«ایران» از جنگ روانی غرب به منظور القای «توافق موقت» گزارش می دهد

توافق؛ فقط دائم

۳

معاون روابط کاروزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت و گو با «ایران» مطرح کرد

کارفرما قرارداد به کارگر ندهد تحت پیگرد قرار می گیرد

۷

«ایران» ادعاهای رئیس بانک مرکزی دولت قیل درباره آمارهای پولی را بررسی کرد

آمار سازی سیاسی

۶

رئیس مرکز اقلیم سازمان هواشناسی خبر داد

میانگین بارش امسال

بیشتر از میانگین بلند مدت

۲۱

تبلیغات درمانی در شبکه های اجتماعی؛ آری یا نه؟

پزشکان اینستاگرامی

۱۲

ایران

ولادت حضرت فاطمه زهرا(س)
و روز مادر مبارک باد

از انتقال سردار به لور کوزن تا مع اندازی تیم بانوان با اژدها

در صفحات ورزشی بخوانید



Sunday ■ 23 Jan 2022 ■ ۳۰۰۰ تومان ■ قیمت ۲۴ صفحه

آغاز برپایی دومین نمایشگاه مجازی کتاب تهران

علاقه مندان تا دهم بهمن فرصت دارند برای خرید کتاب به نشانی الکترونیکی book.icfi.ir مراجعه کنند

۲۳



رئیس سازمان توسعه تجارت در گفت و گو با «ایران» جزئیات دستاوردهای اقتصادی سفر رئیس جمهور به روسیه را تشریح کرد

جهش ۵ برابری تجارت با روسیه

۸



«ایران» به مناسبت روز زن از جایگاه زنان در پیشبرد اهداف جامعه گزارش می دهد

لزوم بازتعریف مفهوم مشارکت زنان

صفحات ۹، ۱۴ و ۲۱

عکس: مهدی صالحی / خبرگزاری آنا

روسیه؛ از روابط راهبردی تا روابط میان فرهنگی

یادداشت
محمد مهدی ایمانی پور
رئیس ستاد فرهنگ و ارتباطات اسلامی

«دیپلماسی فرهنگی» به عنوان یکی از مهم ترین ارکان سیاست خارجی کشورها، کاربازهایی به نام ترویج و توسعه فرهنگ را برعهده دارد. این نوع دیپلماسی در فراهم آوردن زمینه های همکاری های مشترک و شناخت و شناساندن فرهنگها و تبادل ارزش های فرهنگی و تحکیم و تثبیت روابط حسنه میان دولت ها تأثیر پررنگ و بسزایی دارد. دیپلماسی فرهنگی نه یک ابزار بلکه یک محرک و بستر جهت هم افزایی مؤثر، طولانی مدت و محکم کشورها محسوب می شود. با این مقدمه و از این زاویه دید، می توان متوجه اهمیت سفر رئیس جمهور محترم کشورمان به روسیه شد. بدون شک انقلاب اسلامی ایران مولد نوعی گفتمان پویا و عمیق در بین جوامع و ملت های مسلمان و حتی غیرمسلمان بوده است. این گفتمان اجزای متعدد و مصادیق گوناگونی دارد که تبلور تام و کامل آنها رمز موفقیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور محسوب می شود. فرهنگ مقاومت، عدم تسلیم پذیری در برابر زور و سلطه، خارج ساختن ملت ها از انفعال ذهنی و فرهنگی، مواجهه با فرهنگ مهاجم و شکل دهی منظومه های فرهنگی مشترک بر اساس هم افزایی تاریخی، جغرافیایی و رفتاری بازیگران، برخی از این موارد را شامل می شود.

در طول سال های گذشته و اخیر، «فرهنگ های مهاجم» تلاش کرده اند «فرهنگ مقاومت» را به عنوان منظومه ای انتزاعی و غیرعملیاتی جلوه داده و از این طریق، انفعال در برابر تهاجم فرهنگی را تقویت کنند. در این میان، کشورهایی مانند ایران، روسیه و چین که بیشترین ایستادگی را در مواجهه با نقشه ها، استراتژی ها و تاکتیک های دشمنان و غرب داشته اند، بیشتر در معرض چنین توطئه های قرار گرفته اند.

یکی از مواردی که امروز در هم افزایی راهبردی ایران و روسیه موضوعیت دارد، مربوط به مواجهه مشترک طرفین با توطئه های فرهنگی علیه طرفین می باشد. در یک قاعده کلی، هر دو کشور باید از وجود فرصت ها یا تهدیدات مشترک به مثابه زمینه هایی جهت همکاری و همپوشانی در حوزه های مختلف استفاده کرده و این همپوشانی در زمینه های مختلف می تواند مصادق داشته باشد. بدیهی است که هم افزایی راهبردی تهران - روسیه یک اصل عقلانی و مهم در فرهنگ، مرادفات بین المللی محسوب می شود. دیپلماسی فرهنگی، خود می تواند به بستری برای شکل گیری، تحکیم و استمرار این هم افزایی استراتژیک و مهم تبدیل شود.

«دیپلماسی فرهنگی» در ذات خود فرصت ساز است و منجر به تبلور ابتکارات فیما بین در کشورها یا دشمنان و حتی خلق بازیگران همسوی یا همسود جدید تبدیل می شود. تقویت مؤلفه های مشترک فرهنگی، منجر به غنا و افزایش عمق روابط ایران و روسیه خواهد شد. گسترش تمایلات بسیاری از دانشجویان و شهروندان دو کشور در خصوص آموزشی، زبان های فارسی و روسی، مبادلات دانشگاهی و علمی، ترجمه آثار کتاب های علمی، فلسفی، تاریخی و سیاسی، مبادلات فرهنگی در حوزه هنر و سینما و تئاتر و گردشگری از جمله مصادیق وجود زمینه ها و علائق مشترک طرفین برای تقویت مناسبات فرهنگی می باشد.

حراج تهران، حراج هنر

یادداشت
علی کناکاز فولی
دکترای جامعه شناسی سیاسی

برگزاری رویداد حراج تهران در روزهای گذشته همچون دوره های پیشین آن واکنش های زیادی را برانگیخت. تاکنون عمده نقدهای وارده به این رویداد در رسانه ها معطوف به ساختار اقتصادی حراج و طرح مباحث نظیر پوشش داده شده که البته این نقدها در جای خود وارد و قابل بررسی است، اما آنچه عمدتاً در تحلیل ها نادیده گرفته شده، نسبت وضعیت با برگزاری چنین رویدادی با جامعه کنونی ایران است. رویکرد این یادداشت بر دوره از برگزاری آن گذشته و توانسته نسبتاً نگارنده معتقد است که در هر حال چنین رویدادی نتیجه مجموعه ای از نگرش ها، وضعیت ها و فرایندها است. در این میان آن را به دوگانه خوب یا بد تقلیل داد. آنچه حائز اهمیت است، شناخت ابعاد عمیق تر این پدیده است که اکنون ۱۵ دوره از برگزاری آن گذشته و توانسته نسبتاً جایگاه خود را تثبیت کند. در یادداشت حاضر سعی بر آن است تا از زاویه کلان به این رویداد پرداخته شود برخی جنبه های ماهوی آن مورد مذاقه قرار گیرند.

انزوای اجتماعی
اولین نکته قابل توجه در رویداد حراج تهران، عدم برخورداری از پشتوانه اجتماعی است که این وضعیت خود به وجود آمده از فقدان مسأله است. در حالی که برخی هنرمندان سرشناس از نظر وضعیت معیشتی دچار مشکلات فراوانی هستند و جامعه ایران نیز درگیر مسائل متعدد است، برگزاری چنین رویدادی با چنین پرستیژ رسانه ای چندان قابل هضم نیست. منظور از این جملات آن نیست که برگزارکنندگان رویداد، مسئول حل مشکلات و نه مقصد به وجود آمدن آنها هستند، پرسش اینجاست که در نهایت این رویداد و سیاست های حاکم بر آن چه نسبتی با جامعه هنری ایران دارند؟ به عبارتی برگزاری این رویداد با توجه به کدام مسائل جامعه هنری ایران بوده و برگزارکنندگان با در نظر گرفتن چه اولویتهایی اقدام به برگزاری نموده اند؟ نه در وب سایت رویداد به مسائل جامعه هنری ایران پرداخته شده و نه برگزارکنندگان آن گزارش و منظومه فکری مشخصی نسبت به هنر و مسائل آن در ایران از خود نشان داده اند. نگاهی به بخش اخبار وب سایت رسمی رویداد، نشان می دهد که اساساً هیچ گونه اطلاع رسانی از فرایندهای رویداد صورت نگرفته و اخبار

منتشره تنها اخبار مربوط به برگزاری رویداد اصلی در هر دوره و گزارشی از آثار به فروش رفته هستند. می توان این گونه برداشت کرد که اساساً اطلاع رسانی و شفاف سازی درباره فلسفه وجودی رویداد برای برگزارکنندگان رویداد چندان موضوعیتی نداشته است. این موضوع را از تعداد محدود حاضران، خریداران و حتی آمار نسبتاً پایین دنبال کنندگان شبکه های اجتماعی رویداد نیز می توان متوجه شد. بویژه آنکه گردانندگان صفحه اینستاگرامی رویداد حتی فرصت اظهار نظر به مخاطبان را نیز ن داده و بخش نظرات را برای تمامی مطالب بسته اند. اعتراض های مستقیم و غیرمستقیم بخش قابل توجهی از هنرمندان با این رویداد بویژه در دوره اخیر نیز از دیگر مسائلی است که سبب می شود رویداد را نتوان حتی یک رویداد اختصاصی برای جامعه هنری به حساب آورد.

ابهام در فرایندها
نامشخص بودن و عدم شفافیت فرایندهای انتخاب و قیمت گذاری آثار از دیگر نقدهایی است که می توان به این رویداد وارد آورد. اگرچه در وب سایت رسمی رویداد، ذکر شده که آثار حاضر در حراج، از سه طریق معرفی آثار به حراج است: مجموعه داران، معرفی آثار به حراج از سوی متخصصان، و چگونگی آشناسازی آثار صرفاً از هنرمندان پیشکسوت انتخاب می شوند. اما فرایندهای معطوف به انتخاب آثار، عمومی نیستند و نمی توان درباره درست یا نادرستی آنها قضاوتی ترتیب داد. به هنری بودن رویداد است. آثارشان در دوره های مختلف حراج عرضه شده، این گمان تقویت می شود که تنها چهره های خصوصی از سوی برگزارکنندگان رویداد مورد توجه قرار می گیرند. بنابراین حتی اگر نخواهیم اتمامی به برگزارکنندگان و فرایندهای منبج به عرضه آثار وارد سازیم، لاقلاً می توان نسبت به فقدان شفافیت انتقاداتی را طرح کرد. در وب سایت رسمی رویداد هیچ گونه مطلب یا خبری پیرامون شفاف سازی سیاست های حاکم بر انتخاب آثار و فرایندهای مرتبط با آن وجود ندارد. مشخص نیست که گالری داران چگونه با یکدیگر رقابت می کنند و چگونه از کاشکش چنین رقابتی آثاری انتخاب می شوند. اگر می شد که صاحبان گالری در فضایی عمومی و آزاد با یکدیگر رقابت کنند، باز هم آمیدی به تقویت فضای فرهنگ و هنر توسط این رویداد وجود داشت، اما در حال حاضر به جای آنکه برگزاری چنین رویدادی در نتیجه هم افزایی و برنامه ریزی گالری ها باشد، در نتیجه خواست صاحبان سرمایه های کلان رقم می خورد و هرچا

که پای سرمایه های کلان به همراه عدم شفافیت در میان باشد، نمی توان به بی طرفانه بودن فرایندها و طبیعی بودن انتخاب ها خوشبین بود.

هم در انحصار سرمایه
در سطور بالا مشخص شد که رویداد حراج تهران نه یک رویداد فرهنگی و هنری که رویدادی اقتصادی بوده و هنر را دستمایه تجارت قرار داده است. پس برگزاری چنین رویدادی به خودی خود دستاورد چندانی برای عرصه هنر ندارد، بویژه آنکه اساساً نسبت به مسائل عرصه هنر و هنرمندان نیز بی توجه بوده است و از این جهت نمی توان این رویداد را متعلق به همه هنرمندان دانست، اما این موضوع سبب نمی شود که از کنار آن بی تفاوت گذشت و از نظر کلی هنر به آن نپرداخت. زیرا این رویداد به واسطه نداشتن ماهیت هنری و فقدان مدغغه هنر، پدید آورنده شکلی از فرهنگ تجاری در عرصه هنر است که در صورت تداوم و گسترش، می تواند مناسبات جامعه هنری و هنرمندان را تغییر داده و بر آنها تأثیرات نامطلوب بگذارد. همچنین جولان سرمایه در عرصه فرهنگ مانع از شکل گیری روابط اصیل بین هنر و هنرمندان می شود. به بیان دیگر، تنها هنرمندانی می توانند دیده شوند که نسبتی با مناسبات تجاری حاکم بر رویداد داشته باشند. نگاهی به ادبیات رسانه ای مربوط به رویداد و تأکید پررنگ بر عباراتی نظیر «گورد زن»، «پرفروش بودن» و... نیز تأییدی دیگر بر مدعای تجاری بودن و نه هنری بودن رویداد است. بنابراین اگر این رویداد، هنر مسأله است و هنرمند اهمیت دارد، چرا بخشی از سرمایه های حاضر در رویداد به حل مشکلات این قشر اختصاص پیدا نمی کند؟ حتی اگر انتظار چنین اقدامی هم نداشته باشیم، لاقلاً برگزارکنندگان می توانستند بخشی از توجه صاحبان سرمایه را به سمت مسائل جامعه هنری سوق دهند. تأکید می شود که

ارقام درشت پول ها بر جسته می شوند و توجه ها را به خود جلب می کنند. **■ نحتی پارانسیسم**
پارانسیسم مکتبی است که پیروان آن هنر را برای هنر می خواهند؛ هنر برای زیبایی، تعالی و شوکوهی که در آن هست و نه به مثابه ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر از جمله منفعت مالی و غیرمالی. حقیقت آن است که ماهیت حراج تهران در درستی مشخص نیست. روشن است که برگزارکنندگان این رویداد هیچ گونه نسبتی با مسائل روز جامعه ندارند. در هر صورت می توان از این نقد چشم پوشید و دریافت که به هر حال بخشی از هنرمندان با هر انگیزه ای تمایل ندارند خود را درگیر مسائل جامعه کنند، اما مسأله آن است که این دسته از هنرمندان حتی هنر را برای خود هنر هم نمی خواهند و چندان به مسائلی نظیر زیبایی، پرستش هنر محض و عدم استفاده از هنر به عنوان ابزاری برای هنرمندان انتظار دارند تا در مسائل سیاسی و اجتماعی در کنار آنها قرار گیرند، روشن است که برگزاری چنین رویدادی که نه از نظر ظاهری مستخفی با فضای جامعه ایران دارد و نه ماهیتاً به مسائل جامعه هنری ایران می پردازد، نه تنها امری قابل تحسین نیست که باید از آسیب های دیداری آن بر عرصه فرهنگ و هنر نیز بیمناک بود.

هر روز با شما در اینجا خواهیم بود، صدای شما، حرف شما و پیشنهاد شما را می شنویم و می خوانیم و باز گویی کنیم، باما همراه باشید، بگویید و بنویسید
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۷۶۹۰۷۵
پست: ۳۰۰۰۴۱۳۳

سردبیر محترم روزنامه ایران
موضوع: پاسخ به مطلب روزنامه ایران مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

باسلام و احترام/ در پاسخ به مطلب مندرج در روزنامه ایران مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۷ (به پیوست) با عنوان «قطع شدن نشانگر روز شمار افتتاح مترو آزادگان در کمر بندی آزادگان (افتتاح خط مترو اسلامشهر)» جوییه شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) به شرح ذیل اعلام می گردد: ضمن سپاس از شهروند محترم، در پاسخ به مطلب درج شده با عنوان «قطع شدن نشانگر روز شمار افتتاح مترو آزادگان در کمر بندی آزادگان (افتتاح خط مترو اسلامشهر)» به آگاهی همشهریان محترم می رساند کارفرما و متولی احداث مترو اسلامشهر، شهرداری اسلامشهر است و شهرداری تهران و به تبع آن شرکت متروی تهران دخالتی در امر احداث آن خط ندارد.

مدیر روابط عمومی و امور بین الملل

انتشارات ایران
دردومین نمایشگاه مجازی کتاب تهران
The 2nd Tehran Virtual Bookfair
۳ تا ۷ بهمن ۱۴۰۰
book.icfi.ir